

# گفتگو با :

مک نامارا رئیس بانک جهانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

ترجمه‌ی :

محمد علی حجازی

فعالیت بانک جهانی با پایان جنگ بین الملل دوم آغاز شد و هدف از تأسیس آن مرمت خرابیهای ناشی از جنگ جهانی در اروپا و نیز کمک به کشورهای عقب‌نگه داشته شده بود. سهام این بانک در حال حاضر (۲/۳۳ میلیارد دلار) به ۱۱۵ کشور جهان تعلق دارد اما بیش از نیمی از سهام متعلق به آمریکا است. کشورهای در حال توسعه برای وامهای خود از این بانک ۲۵/۷ درصد بهره سالانه میپردازند و در موارد ویژه وام بدون بهره دریافت میکنند. تاکنون ۴۷۰ پروژه آبادانی ۸۵۰ کشور با سرمایه گذاری این بانک پایان رسیده است.

ربرت مکنامارا از بهار ۱۹۶۸ با کناره گیری از پست وزارت دفاع آمریکا ریاست این بانک را به عهده گرفت. گفتگوی زیر که در حقیقت پژوهش و انتقادات مردم جهان نسبت به سیاست بانک جهانی است توسط ۳ مخبر مجله اشپیگل چاپ هامبورگ بعمل آمده است.

سؤال : آقای مکنامارا، شما بیش از ۳ سال است که ریاست بزرگترین مرکز وام بکشورهای در حال توسعه را به عهده دارید . در این مدت مبلغ وامها بدو برابر سالهای قبل افزایش یافته است ، با وجود این مردم جهان بویژه نسل جوان از نحوه کار شما رضایت ندارند . هنگام تشکیل آخرین کنگره سالانه بانک در کپنهاگ تظاهر کنندگان با سنگ و چوب بجان همکاران شما افتادند و شعارشان این بود : بانک را خراب کنید ! توضیح شما برای این طرز فکر نسل جوان چیست ؟

مکنامارا : البته باید میان عقیده جهانی و عقیده عده قلیلی دانشجو که با چوب و سنگ بما حمله کردند ، تمایز قایل شد . در همان روزها نمایندگان کشورهای در حال توسعه اعمال تظاهر کنندگان را محکوم کردند .

یکی از مخبرین : این جواب شما واقعاً حیرت انگیز است !  
مکنامارا : امیر جهان وزیر دارائی تانزانیا که نمیتوان او را نوکر امپریالیسم یا کاپیتالیسم خواند ، طی مصاحبه ای بایک روزنامه دانمارکی

گفت: مکنامارا حدا کثر کوشش خود را نموده است و اعمال  
تظاهر کنندگان صحیح نیست . . .

یکی از مخبرین: تنها در کپنهاگ علیه شما تظاهرات نشد. در هیدلبرگ پلیس  
کوشید جان شما را در برابر مردم تظاهر کننده حفظ کند و  
در نتیجه نهری از خون براه افتاد .

مکنامارا: تظاهر کنندگان نمایندگان واقعی مردم نبودند .

سؤال: شما خوب میدانید که نمایندگان واقعی مردم نیز ناراضی  
هستند. وقتی شما در رأس کار قرار گرفتید انتظار تغییرات  
عمده‌ای میرفت. تاکنون در این زمینه چه کرده‌اید؟

مکنامارا: بانک با آمدن من دوباره تأسیس نشد. بارفتن یکنفر و آمدن  
شخص دیگری نیز نباید منتظر تغییرات کلی بود .

سؤال: ولی شما در همان روزها تحولات عمده‌ای را مژده دادید.  
آن تحولات کجاست؟

مکنامارا: دهه ششم این قرن آغاز تحولی در زمینه کمک به کشورهای  
در حال توسعه میباشد. برای اولین بار میانگین افزایش تولید  
در کشورهای در حال توسعه سالانه به ۵ درصد رسید و این  
پیشرفت خارق‌العاده بود، چون در قرن نوزدهم کشورهای غرب  
که شرایط مشابهی داشتند نتوانستند به چنین پیشرفتی دست  
یابند . . .

یکی از مخبرین: . . . این مقایسه واقعاً نادرست است .

مکنامارا: حرفم هنوز تمام نشده! با وجود این پیشرفت‌ها گرسنگی سال  
بسال افزایش مییابد. یک سوم مردم دنیا - و شاید هم یک دوم -

در گرسنگی و کم غذایی بسر میبرند . میزان مرگ و میر اطفال بسیار زیاد است . کودکان کشورهای در حال توسعه ۴ برابر بیش از کودکان کشورهای متریقی طعمه مرگ میشوند . طول عمر در کشورهای در حال توسعه بسیار کوتاه است . مردم کشورهای پیشرفته ۴۰ درصد بیش از مردم کشورهای فقیر عمر می کنند . يك انسان در ایالات متحده یا در آلمان دو برابر يك انسان در يك کشور در حال توسعه زندگی می کند . در حال حاضر سال بسال به بیسوادان جهان افزوده میشود . تعداد بیسوادان امروز ۱۰۰ میلیون بیش از ۲۰ سال پیش است . تعداد آنها اکنون به ۸۰۰ میلیون نفر میرسد . طی مسافرت های اخیر ما به کشورهای در حال توسعه بکشوری برخوردیم که فقط يك درصد از کودکان آن بمدرسه میروند ! آری فقط يك درصد . بر بدبختی هایی که نامبردم باید مسئله تقسیم غیر عادلانه ثروت و درآمد را نیز افزود .

یکی از مخبرین : من بار دیگر سؤال خود را تکرار می کنم . بانك جهانی چه اقدام موثری تاکنون انجام داده است ؟

مکنامارا : اعضای بانك در درجه اول مسائل حاد را مورد توجه قرار میدهند ، بهمین جهت طی چند سال اخیر ما بکوشش خود در زمینه کشاورزی افزوده ایم . تنها آنچه طی دو سال ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ انجام شده معادل نیمی از اقداماتی است که طی ۲۵ سال عمر بانك جهانی صورت گرفته است . همچنین ما بودجه آموزشی خود را افزایش داده ایم . در این مورد کشورهای

کوچک و بسیار فقیر مورد توجه خاص ما بوده‌اند. طی همان دو سال مابہ ۶۰ کشور فقیر وام دادیم. این رقم ۷۵ درصد بیش از مقدار کمک‌هایی است که طی سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۸ انجام شده بود. مادرزمینه کنترل موالید نیز اقداماتی کرده‌ایم. یکی از مخبرین: بارها و بارها این انتقاد شده که بانک جهانی پول خود را در اختیار کشورهای قرارمیدهد که تاحدی پیشرفت کرده‌اند و در عوض فقیرترین کشورهای فقیر جهان بدون کمک می‌مانند.

مکنامارا: بمسئله مهمی اشاره کردید! این درست است که بانک جهانی در برابر وامی که میدهد شرایطی هم می‌گذارد و طبیعی است که برای کشوری چون چاد یا کشورهای فقیر دیگر قبول شرایط ما بسیار دشوار است.

یکی از مخبرین: بانگاهی به ترازنامه ۱۰ ساله بانک بوضوح میبینیم که وام گرفتن از بانک جهانی برای کشورهای تاحدی فقیر خیلی آسانتر از کشورهای بسیار فقیر می‌باشد.

مکنامارا: همینطور است. ما در دو سال اخیر کوشیدیم به کشورهای کاملاً فقیر نیز کمک کنیم. اما این کار دشوار است زیرا آنچه در این قبیل کشورها از پول نایاب تر است متخصص و کارشناس میباشد. نسبت بین تعداد متخصصین هر کشور و کمک‌های اقتصادی بآن کشور باید خیلی بزرگتر از آن باشد که در حال حاضر در کشورهای عقب مانده برقرار است. ماطی دو سال اخیر به ۱۴ کشور کاملاً فقیر که ۵ سال بود از وام بانک

جهانی محروم بودند وام داده‌ایم، به کشورهای چون داهومی  
چاد، نپال و اندونزی.

سؤال : آیا این کشورها قادرند ۷/۲۵ درصد بهره وام بانک جهانی  
را بپردازند؟

مکنامارا : کشورهای که نام بردم از وام بدون بهره استفاده میکنند ...  
یکی از مخبرین : ... با کارمزد ۰/۷۵ درصد طی اقساط ۵۰ ساله ؟  
مکنامارا : بله . در عین حال باید گفت که شرایط این نوع وامها هم عیناً  
بهمان دشواری سایر وامهاست . با توجه به سرمایه محدودمان  
مجبوریم اصولاً سختگیر باشیم .

سؤال : چه کسی ضمانت می‌کند پول بانک در کشور وام گیرنده به  
دست افراد ناصالح و سودجو نیفتد؟

مکنامارا : میخواهید بگوئید قرضه خارجی، ثروتمندان کشورهای عقب  
را غنی‌تر میکند و فقرا را فقیرتر؟

سؤال کننده : بله . بعنوان رئیس بانک جهانی برای این مسئله چه تدبیری  
اندیشیده‌اید ؟

مکنامارا : آنچه که ما اصل کلی کار خود قرار داده‌ایم استفاده کامل از  
وامها در جهت بهبود وضع همه افراد کشور وام گیرنده است .  
یکی از مخبرین : عده‌ای معتقدند هدف وامهای غرب حفظ و توسعه سلطه  
سیاسی و اقتصادی غرب بر کشورهای در حال رشد است .

مکنامارا : بله ، اینرا میدانم .

سؤال : واقعاً خیال می‌کنید ۲۰۵ میلیون دلاری که در دو سال پیش به  
برزیل قرض دادید ( ۱۰۰ میلیون دلار برای جاده‌سازی، ۸۰

میلیون دلار جهت ایجاد مرکز انرژی و ۲۵ میلیون دلار برای بهبود بنیه مالی) بوضع نکبت بار سرخپوستان برزیل سرو صورتی خواهد داد؟ یا آنکه بهتر است بگوئیم با این پولها موقع هیئت حاکمه برزیل تقویت شده است، زیرا مثلا بابهود وضع راهها تسلط مالکان بر مزارع قهوه افزایش می یابد؟

مکنامارا: هدف کلی بهبود وضع اکثریت جامعه است. وقتی اقتصاد جامعه بطور کلی رونق گرفت طبقه فقیر نیز بهتر زندگی می کند.

سؤال: این است هدف های انسانی شما که این همه از آن صحبت می کنید؟

مکنامارا: اجازه بدهید مثال بیاورم. همین اواخر ما بیک کشور عضو بانک وام کشاورزی دادیم. دولت مربوطه قصد داشت سهمی از وام را برای خرید تراکتور بکار ببرد. ما گفتیم بایکار گرفتن تراکتور کشاورزان بیکار میمانند (البته در مواردی وجود تراکتور ضروریست مثلا وقتی برای درو یا شخم فرصت کمی باقی است). بهر حال نظر ما اینست که نباید تراکتور موجب بیکاری کشاورزان شود. بیک کشور دیگر برای آنکه زمینی بمساحت تقریبی ۳۶ هزار هکتار قابل کشت شود وام دادیم باین شرط که فقط مبلغ محدودی از پول صرف آبادانی واحد های بزرگ کشاورزی بشود - یعنی واحدهای بمساحت ۴۰ هکتار یا بیشتر-. خلاصه اینکه پول در اختیار توده های محروم



جامعه قرار می‌گیرد و با بانهائی داده می‌شود که برای بهبود عموم کوشش می‌کنند.

سؤال : این مطالب بجای خود درست، ولی به چه شکل دیگر میتوان وضع توده‌های محروم را بهبود بخشید؟

مکنامارا : ما مردم را به اجرای « انقلاب سبز » تشویق می‌کنیم. ما خوشحال می‌شویم اگر ثروت مملکت بطور عادلانه بین مردم طبقات مختلف تقسیم شود. بدون شك آنچه قبل از هر چیز ضروریست اینکه مردم بتوانند شکم خود را سیر کنند.

سؤال : ناگزیر این عقیده را شنیده‌اید که بهتر است همه کمکهای غرب، و از جمله کمکهای بانك جهانی به آمریکای لاتین قطع شود؟

مکنامارا : بله، من این عقیده را می‌شناسم.

سؤال : مثلاً يك کشیش آمریکای لاتین بنام ایلیش Illich بما گفت بهتر

است کمک پولی بکشورهای عقب مانده قطع شود و در عوض سعی گردد تا طرز تربیت مردم این کشورها تغییر یابد. بعقیده این کشیش باید آگاهی سیاسی و اجتماعی تازه، عقاید سنتی رایج را جایگزین شود. عقیده رئیس بانك جهانی در این باره چیست؟

مکنامارا : برای کشورهای عقب مانده يك نسخه کلی و واحد وجود

ندارد. مسئله پیش از اینها پیچیده و دشوار است. من به دسته‌ای از مردم برخورددم که می‌گویند کمک غرب خوبست به امور آموزشی محدود شود. اما وقتی می‌بینیم نیمی و بسا نثلی از مردم دنیا در چنگال گرسنگی و کم غذایی بسر می‌برند

نمی‌توان از کمک‌های غذایی دست برداشت .

سؤال : آقای مکنامارا ! باین سؤال مابعدنوان يك امریکائی - نه رئیس بانک جهانی - جواب بدهید. چرا دولت امریکا بودجه کمک - های خارجی را محدود ساخت ؟

مکنامارا : من این تصمیم دولت امریکا را نا درست میدانم و عقیده‌ام را نیز ضمن يك سخنرانی در کپنهاگ رسماً اعلام داشتم .  
سؤال : راجع به شرکت‌های خصوصی امریکائی چه می‌گوئید ؟ این شرکتها در آمریکای لاتین بیش از آنچه سرمایه‌گذاری میکنند بعنوان سود سالانه از این کشورها خارج می‌سازند .

مکنامارا : بعقیده من شما خیلی تند می‌روید ! در عین حال من با اهمیت مسئله واقفم .

سؤال : در این مورد که تاکنون ریاست بانک جهانی همیشه با امریکائیه‌ها بوده چه می‌گوئید ؟ آیا نباید گفت بانک جهانی آلت دست سیاست خارجی امریکاست ؟

مکنامارا : عده‌ای حق دارند اینطور فکر کنند ، چه مرکز این بانک در ایالات متحده قرار دارد و همه‌انطوریکه گفتید - رؤسای بانک همیشه امریکائی بوده‌اند، بدتر اینکه بیش از ۶۰ درصد وام‌های بآبهره از طرف امریکا پرداخت می‌شود. باوجود این، بانک جهانی بازیچه سیاست خارجی امریکا نیست !

یکی از مخبرین : آقای مکنامارا ! ادعاهای شما برای ماباور کردنی نیست !  
مکنامارا : لازم نیست حتماً رئیس این بانک يك امریکائی باشد . از این گذشته تا دو سال پیش ۳۱ درصد کارمندان بانک جهانی امریکائی

بودند، حالا این رقم به ۲۸ درصد کاهش یافته است. این کاهش را بعنوان کوششی ازسوی من در جهت تغییر عقیده آن دسته از مردم که معتقدند بانک جهانی عامل سیاست امریکاست بپذیرید .

یکی از مخبرین : در سال ۱۹۵۶ دولت ایالات متحده از کمک به مصر جهت ساختمان سد آسوان خودداری کرد و کمی بعد همین بانک جهانی تصمیم قبلی خود را مبنی بر پرداخت ۲۰۰ میلیون دلار وام به عبدالناصر تغییر داد ، ۲۰۰ ملیون دلار وام برای سدی که ساختمان آن اکنون بدون کمک امریکا و بانک جهانی پایان یافته است .

مکنامارا : من مجبور نیستم از وقایعی صحبت کنم که قبل از قبول مسئولیت من در بانک رخ داده است . من از ۱۹۶۸ مسئول امور این بانک هستم .

سؤال : ولی در زمان ریاست شما هم مصر دیناری کمک دریافت نکرد !

مکنامارا : البته که مصر از ما پول دریافت کرده است . در آوریل ۱۹۷۰ ، ۲۶ میلیون دلار برای پروژه مهمی در دلتای نیل بمصر وام داده شد . این پروژه يك اقدام بزرگ آبادانی است که يك میلیون انسان از فواید آن بهره مند میشوند .

یکی از مخبرین : این فقط يك طرح آبادانی است در حالیکه طی سالهای ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ سیل دلار به اروپا و امریکای لاتین سرازیر شد، یعنی به مناطقی که برای ایالات متحده اهمیت ویژه سیاسی دارند.

مکنامارا : این طرز استدلال شما واقعاً نادرست است ! تاکنون از کسی نشنیده‌ام که بانک جهانی را باین دلیل عامل سیاست امریکا بدانند .  
سؤال : پس چرا بما جواب نمی‌دهید ! چرا فعالیت‌های بانک به اروپا و امریکای لاتین محدود مانده است ؟

مکنامارا : جمع وامهای بدون بهره به امریکای لاتین طی سال ۱۹۷۰ ،  $\frac{1}{8}$  درصد کل وامها بوده است . بزرگترین رقم قرضه - با توجه به تعداد جمعیت - به افریقای غربی ( مستعمره قدیم فرانسه ) پرداخت شده و لابد حالا خواهید گفت بانک جهانی تحت نفوذ فرانسه است !

سؤال : آقای مکنامارا ! آیا اقدام شما صحیح بود که در ۱۹۶۸ از وزارت دفاع امریکا استعفا بدهید و بلافاصله ریاست بانک جهانی را قبول کنید ؟

مکنامارا : اینطور که شما سوالات را طرح می‌کنید منتظرید بگویم اشتباه کرده‌ام ولی اینطور نیست، ابدأ اینطور نیست .  
یکی از مخبرین : بهر حال شما تنها کسی بودید که اذهان عمومی انتظار داشت این پیشنهاد را رد نکنید .

مکنامارا : پیشنهاد از طرف هیئت مدیره بانک بود و من نفوذی در آن نداشتم .

یکی از مخبرین : پس عقیده مخالفین بانک جهانی یکبار دیگر تأیید میشود .  
وقتی يك امریکائی برای ریاست بانک جهانی پیشنهاد میشود از همان موقع می‌توان آن شخص را رئیس بانک دانست زیرا امریکائی است !

مکنامارا : شما خودتان خوب میدانید که اینطور نیست . مضحك است  
که بگوئیم هیئت مدیره بانك تابع عقاید دولت امریکا است .  
یکی از مخبرین : دکتر حسین مالک کارشناس امور ارزی پاکستان اخیراً  
طی مسافرت خود باروفا اظهار داشت از ۱۲/۷ میلیارد دلاری  
که در ۱۹۶۸ به کشورهای در حال توسعه وام داده شده این  
کشورها در حقیقت پیشیزی دریافت نکرده اند . ۱/۴ میلیارد  
دلار این پول بهره آن بوده که کسر شده ، ۴ میلیارد دلار آن  
هم بعنوان سود به کشورهای غرب بازگشته و ۵ میلیارد دلار  
دیگر آن بطرق غیرقانونی از کشورهای دریافت کننده وام  
خارج شده است . حال اگر نتایج اسفناك این چنین قرضه  
هائی را برای اقتصاد در حال رشد کشورهای دریافت کننده  
وام نیز بحساب آوریم به يك رقم منفی خواهیم رسید .

مکنامارا : آنچه شما روی هم میریزید يك معادله است با طرفین غیر  
مساوی . شما سیب و گلابی را با هم جمع میزنید !

یکی از مخبرین : ابدأ ! ما از دلار صحبت می کنیم نه از سیب و گلابی !  
مکنامارا : اگر می گوئید تحمل بار قرضه برای کشورهای وام گیرنده  
دشوار است من قبول دارم .

سؤال : آیا هرگز پیش میآید که بگوئید قروض يك بدهکار را فراموش  
می کنیم و دوباره باو وام می دهیم ؟

مکنامارا : ابدأ ، چنین چیزی ممکن نیست .  
یکی از مخبرین : اما در مورد بعضی کشورها مثلاً هند این وضع پیش آمده  
است .

مکنامارا : قروض هند بخشیده نشد بلکه با تعویق در پرداخت آن موافقت گردید .

سؤال : باتوجه به وضع اسفناکی که بعد از قرضه های سنگین خارجی برای کشورهای در حال توسعه پیش آمده، عده ای معتقد شده اند تنها با توسل بزور می توان شرایط غیر انسانی را در کشورهای در حال رشد تغییر داد . آقای مکنامارا ، آیا شما برای این گونه عقاید تفاهم دارید ؟

مکنامارا : بله ، من احساس آنها را می فهمم ، در کشورهای در حال توسعه توقع توده ها بیش از آنست که رشد اقتصادی اجازه میدهد و هیئت حاکمه قادر نیست توقع توده ها را بر آورده سازد . این وضع طبعاً به خشونت و میل به نابود کردن می انجامد . سؤال : آیا ضروری نمی بینید حتی فقط به دلیل افزایش روز افزون قرضه ها فقط وام بدون بهره به کشورهای در حال توسعه به پردازید ؟

مکنامارا : من با شما هم عقیده هستم . هم اکنون در برناما بانک جهانی بجای سالانه ۴۰۰ میلیون دلار ۸۰۰ میلیون دلار وام بدون بهره تصویب شده و من از اینکه دول عضو بانک پیشنهاد مرا قبول کرده اند خوشحالم .

سؤال : آقای مکنامارا ، می خواهید با سودهای حاصل از وامها چکار کنید ؟

مکنامارا : هیئت مدیره تصویب کرد که ۱۰۰ میلیون دلار از سود حاصله در سال ۱۹۷۰ برای وامهای بی بهره اختصاص یابد .

سؤال : طبق گزارش « کمیسیون پیرسن » ضروریست کمکهای رسمی غرب به بانک جهانی افزایش یابد. بعقیده این کمیسیون باید ۷ درصد درآمد ناخالص کشورهای صنعتی جهت کمک به کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته صرف شود. آیا شما فکر نمی کنید تا وقتی غرب فقط بدنبال تجارت و سود جوئی و افزایش سرمایه خویش است گفتگو از چنین مطالبی بیهوده باشد ؟

مکنامارا : کمیسیونی که نام بردید حتی به کمکهای موسسات خصوصی هم امیدوار است، در عین حال که کمک دولتهای بزرگ را شرط قطعی میدانند .

سؤال : آیا فکر می کنید بشود راهی یافت که سرمایه گذاران خارجی مجبور باشند فقط نیمی از سود کلان خود را در اختیار کشوری قرار دهند که در آن سرمایه گذاری کرده اند ؟

مکنامارا : بعقیده من موسسات خصوصی غرب که در کشورهای در حال توسعه سرمایه گذاری می کنند باید از روشهای عادلانه تری پیروی کنند .

سؤال : آیا شغل فعلی از مسئولیت قبلی شما بعنوان وزیر دفاع امریکا دشوارتر نیست ؟

مکنامارا : ولی باور کنید که شغل فعلی من از پست وزارت دفاع امریکا برایم جالب تر است .

سؤال : می گویند شما ریاست بانک جهانی را قبول کردید تا وجهه ازدست رفته خود را ملی شکستهای سیاسی در ویتنام جبران

کنید . همانها معتقدند که شما لااقل بخاطر آسایش وجدان  
این پست را پذیرفته‌اید . خودتان چه می‌گوئید؟  
مکنامارا : من این مسئولیت را قبول کردم تا بتوانم بآن ۱/۵ میلیارد  
انسانی کمک کنم که به کمک ما نیاز دارند !!



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی